

حرف درشت

بانک کشکی

● **پوریا عالمی:** الان اوضاع طوری است که مردم یک عمر کار می‌کنند و دوزار پول جمع می‌کنند و بعد پولشان را می‌برند بانک و در صندوق می‌گذارند که وام بگیرند، بعد پولشان را می‌خورند و خلاص.هیچ جای جهان این‌طوری به فکر مردم نیستند و مردم را سرگرم نمی‌کنند. ما دیروز رفتم در جمع سپرده‌گذاران سپیده و کاسسین و... که پولشان خورده شده و پرسیدیم مشکلات چیست که هرروز تجمع می‌کنید؟ گفتند: ما مشکلی نداریم و از مسئولان ممنونیم. هیچ‌جای دنیا مردم این‌قدر سرگرمی ندارند؛ ما یک روز جلوی مجلس تجمع می‌کنیم، یک روز جلوی قوه قضائیه و یک روز جلوی ریاست‌جمهوری، خیلی حال می‌دهد و ته عشق‌وحال است. یکی از نمایندگان مجلس نیز دیروز با حضور در جمع معترضان گفت: من با پارک ملت هماهنگ کردم، به‌روزدرمییون برید پارک تجمع کنید که حال کنید. معترضان بعد از حضور این مقام مسئول یقه‌شان را درپیدن و زار گریستند.

حرف درشت:۱! ما در مملکتی به‌سر می‌بریم که برای چاپ یک کتاب ۶۰ صفحه‌ای، ۶۰۰ جاگیر می‌دهند و آخرش مجوز هم نمی‌دهند، اما می‌توانی بروی سر کوچه یک مغازه اجاره کنی و تابلو بزنی «صندوق قرض الپس نده» یا «بانک فلان» و پول مردم را بخوری، حرف درشت‌۲: ما یک آگهی از بانک مرکزی دیدیم که می‌گفت مردم گول بانک‌های غیرمجاز را نخورند! بانک؟ غیرمجاز؟ الان طرف کانال تلگرام دارد، از شش‌جا مجوز بهش می‌دهند. واقعا با خودتان چند چندید؟

پیشنهاد

● شماره ۳۳۹ و ۳۴۰ مجله جهان کتاب منتشر شد. بررسی اشتباه کتاب‌شناختی حسین کسمایی یا میرزاحسن‌خان کسمایی و ایدا لونیس سیمای زنی که زبان اعداد را می‌فهمید، از جمله مطالبی هستند که در این شماره ۷۴صفحه‌ای منتشر شده‌اند. از پرویز دوانی، جنی موریو فینتان اوتول، مسعود جعفری‌جزی، مهدی فیروزیان، فریدون فروتن، معصومه‌علی اکبر، سیدفرید قاسمی، کاوه بیات، کامیار عابدی، محمود نیکویه، مونیکا زاورزلاو و زری نعیمی، در این شماره می‌توانید مطالبی بخوانید.

شترق روزنامه

www.sharghdaily.ir

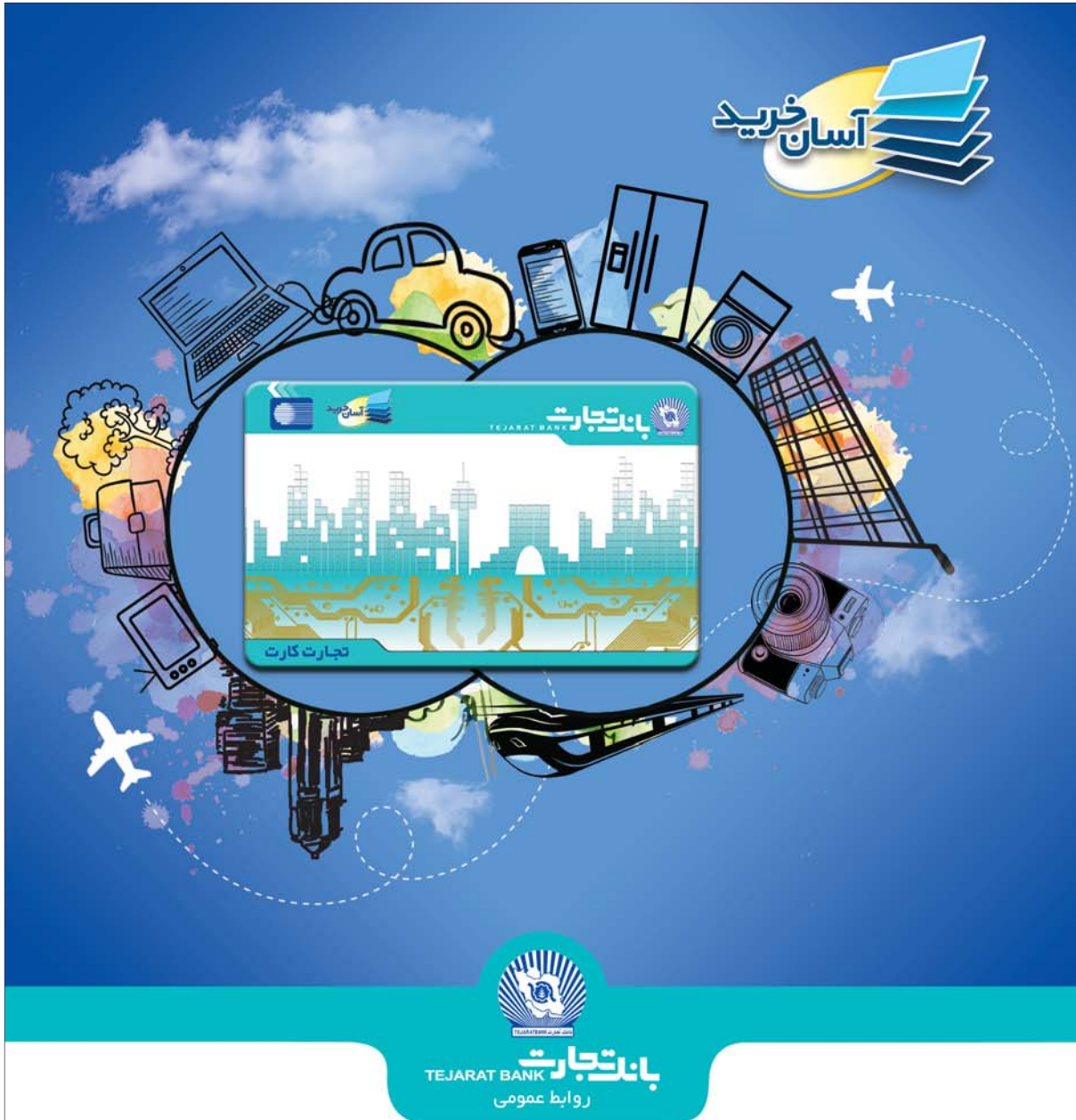
سه‌شنبه ۴ مهر ۱۳۹۶ • ۵ محرم ۱۴۳۹ • ۲۶ سپتامبر ۲۰۱۷ • سال پانزدهم • شماره ۲۹۷۲ • ۲۰ صفحه + ۱۶ صفحه ویژه‌نامه • اذان ظهر تهران ۱۱:۵۶ • اذان مغرب ۱۸:۱۳ • اذان صبح‌فردا ۴:۳۲ • طلوع آفتاب ۵:۵۶

روزنفر۱

کارتون خواب

علی رومانی

aliromani84@gmail.com



با آسان خرید



@tejaratbank.ir



www.aparat.com/TejaratBank

www.tejaratbank.ir



بهمن کشاورز

درخصوص تعریف قاچاق و اینکه ورود یا صدور اشیا به صورت قاچاق امری مخرب و غیرقابل دفاع و توجیه است، تردیدی نیست و بنابراین هر تدبیری که برای مبارزه با قاچاق پیش‌بینی شود، قطعاً باید مثبت ارزیابی شود، اما نکته‌ای که باید به آن توجه کرد، اینکه اموالی که به صورت قاچاق وارد کشور می‌شوند، جز آنها که ذاتاً حرام یا غیرقابل استفاده هستند یا به دلایلی قابلیت انتفاع ندارند، به‌رحال مالیت دارند و ممکن است به نحوی از انحا برای کسانی قابل استفاده باشند. مثلاً اشیا و اموال مصرفی از قبیل لوازم‌التحریر یا لوازم بهداشتی و خانوادگی و امثال اینها چیزهایی هستند که بسیاری از هم‌وطنان ما به آنها نیاز دارند، اما

واکنش

نقدی بر نوشته دکتر «زمانی»

روی دیگر آرایزم



محمدعلی آرامی
متخصص مغز و اعصاب

نقدهایی بر پاره‌ای از گفته‌های همکار اندیشمندان، جناب دکتر «زمانی» می‌توان وارد کرد. مطلب شامل سه بخش و نکته اساسی است؛ اول اینکه انتخاب واژه آرایزم برای این روز یا انجمن جهانی آرایزم نامناسب است و بهتر است «انجمن دمانس» و «روز جهانی دمانس» داشته باشیم. ایشان سستوری را مرقوم فرموده‌اند و از سایر بیماری‌های ایجادکننده زوال عقل غیر از آرایزم نام برده و متذکر شده‌اند که این بیماری‌ها تفاوت‌های اساسی با آرایزم دارند! به نظر اینجانب، علت انتخاب عنوان آرایزم از سوی مجامع جهانی نیز دقیقاً ناظر بر این تفاوت‌هاست. درست مانند بیماری سل که روز جهانی و کمیته‌های جهانی و واحد مستقلی در سازمان بهداشت جهانی دارد و این انتخاب و برجسته‌کردن بیماری سل به دلیل همان «تفاوت‌های اساسی»اش با سایر عفونت‌های ریوی و تنفسی است. بیماری آرایزم (و چند مورد دمانس دژنراتیو دیگر که اصولاً نادر بوده و از دیدگاه عامه اشکالی ندارد آرایزم هم تلقی شوند) یک معضل بزرگ جهانی است که با افزایش میانگین طول عمر انسان‌ها شایع‌تر و مسئله‌سازتر شده است. انتخاب عنوان آرایزم برای این روز، برجسته‌کردن اهمیت بیماری آرایزم و حساس‌کردن دولت‌ها و مردم برای سیاست‌گذاری‌های کلان و اختصاص بودجه لازم برای مراقبت از بیماران مبتلا به آرایزم است. بدیهی است که دمانس زاکوب کروتزفلد، کمبود ب ۱۲، هیدروسفالی و... بیماری‌های کاملاً متفاوت و نیازمند آموزش و برنامه‌ریزی‌های تشخیص درمانی مستقلی هستند که به‌لحاظ اهمیت هیچ‌گونه امکان مقایسه یا سنخیتی با آرایزم ندارند. نکته دوم در این نوشتار تأکید بر لزوم نظارت و همیاری دولتی است. این نکته بسیار مهم است. جوامع مدرن پایه‌یای افزایش طول عمر افراد زمینه حمایت و پاسداشت سلامتی آنان را نیز فراهم کرده‌اند. برای جوامع درحال‌توسعه که ملت‌ها ودولت‌هایشان نیز نیمه‌مدرن هستند، اهمیت برنامه‌ریزی برای رفتن در مسیر بسترسازی حمایت از بیماران آرایزم فوق‌العاده زیاد است. هرم سنی این جوامع به دلیل دسترسی به امکانات تشخیصی و درمانی و آموزش‌های طب مدرن به‌سرعت در جهت افزایش جمعیت سالمند و پناچار افزایش موارد آرایزم است. اگر امروز چاره و تدبیری مناسب اندیشیده نشود، بحرانی بزرگ در راه خواهد بود. اما نکته سوم نوشته جناب دکتر «زمانی» چالش بزرگی در حیطه آموزش بهداشت به‌شمار می‌رود. دکتر «زمانی» انگشت بر نکته مهمی گذاشته‌اند، اما چاره را به شکلی کوتاه، مبهم و حتی ناشدنی مطرح کرده‌اند. آموزش عمومی درباره بیماری ام‌اس لازم است، ولی پیام‌های آن می‌تواند موجب هراس در افرادی شود که درواقع مشکوک به این بیماری هم نیستند. اما چه باید کرد؟ آیا باید آموزش را تعطیل کرد یا در شیوه اطلاع‌رسانی و مراحل پس از آن که به شیوه مواجهه با مراجعه‌کننده به پزشکان برمی‌گردد، تجدیدنظر کرد؟ در مورد دمانس نیز همان جوامع مدرن که حامی بیماران آرایزم هستند در این امر کم تلاش نکرده‌اند. اگر مراجعه به پزشک تنها به یک معاینه خلاصه شود و شخص با آرامش و اطمینان‌یافتن و کسب اطلاعات بیشتر از مطب به منزل برگردد، چه ایرادی دارد؟ و اگر همین شخص با کوله‌باری از ام‌آرآی، سی‌تی‌اسکن، نوار مغز و ... و صرف هزینه بسیار برای هیچ و تصادفاً با دلشوره بیشتر (احتمال چند یافته اتفاقی غیراختصاصی و بی‌ارتباط در این بررسی‌ها) به خانه برگردد، تقصیر از کیست؟ دکتر «مانی» عزیز در این قسمت باید به‌جای پاک‌کردن صورت‌مسئله، شرح دقیق و کاملی درخصوص نحوه صحیح آموزش عمومی بیماری آرایزم و مراقبت از بیماران ارانه و نیز تدبیری کاربردی برای کاهش هزینه‌های بی‌شماری که ظاهراً دغدغه ایشان است، پیشنهاد می‌کردند.

سلام به فردا

وقتی کالای قاچاق را امحامی‌کنند

و بصری مستهجن و مبتذل، باید امحا شوند، اما امحای اشیایی که می‌تواند مورد استفاده مستضعفان و نیازمندان قرار گیرد، توجیه عقلی و منطقی ندارد. بنابراین پس از محکوم‌شدن قاچاقچیان به کیفرهای گوناگون و ضبط اموال قاچاق، اولویت اول و زاویه دید، باید حفظ و نگهداری و بهره‌برداری از اشیای ضبط‌شده باشد و امحای آنها درصورتی‌که از مصادیق کالاهای ممنوعه به شرح پیش‌گفته نباشد، به‌هیچ‌وجه قابل‌قبول نیست. باید توجه کرد در تحلیل نهایی، برای خرید این کالاها، در خارج از کشور، پول پرداخت شده و این پول، از کشور ایران خارج شده است. حتی اگر قاچاقچی از منابع مالی خارجی خود، بهره‌برداری و اقدام به خرید کرده باشد و اموال قاچاق در ایران کشف و ضبط شود، دخول این اموال به مالکیت عمومی و صرف آن در مسیرهای منطقی و انسان‌دوستانه بهتر از امسا و تخریب آنها که توجیهی ندارد خواهد بود. والله اعلم.

روایت

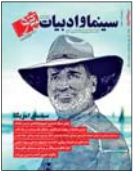
دورهمی‌های میلیونی خشونت جنسی

باردار بودم و داشتم محتوای یک ستون را برای روزنامه جست‌وجو می‌کردم، ستونی که به زست یک زن باردار در تهران بیردازد و کاستی‌ها را به مدیران نشان دهد که درست همان‌موقع ستون‌های سنگین خشونت جنسی هزاران تهرانی و غیرتهرانی روی سرم آوار شد. از لحظه وقوع این خشونت تا هفته‌ها، تمامی ساعات شبانه‌روز، دوستان و آشنایان یا عزیزه‌ها در نقاط مختلف ایران و دیگر کشورها من و خانواده‌ام را در کامنت‌ها یا دایرکت‌ها باخبر می‌کردند. به دلیل تحمل این خشونت سنگین، عارضه‌ای برای بارداری‌ام پیش آمد که با مراجعه به پزشک، مجبور به ترک کار و استراحت یک‌ماهه در منزل شدم؛ استراحتی که به نظر متخصص، باید بدون واکنش به جریان مخوف جنسی با تمرکز و معنویت طی می‌شد. همکاران روزنامه‌نگار بسیاری در این مدت همدردی و تأکید کردند فقط سلامت مادر و نوزاد مهم است. هفته‌های صعب گذشت و باوجود چندین گزارش بر اینستاگرام درباره خشونت جنسی که خود سردمدار مبارزه با آن است، به دلیل تعداد بالای کاربران صفحات مسود بحث، هیچ اتفاقی نیفتاد؛ نه پستی حذف و نه ادمنی بلاک شد. همین الان که می‌خواهید این صفحه را ورق بزنید، نویسنده در حال اختصار روی تخت بیمارستانی در حال ختم بارداری‌اش است. قلب جنین در زمان باروری و سلامت جسمی مادر، در کشوری که خود را مدافع و موظف به افزایش جمعیت می‌داند، به دلیل شرایط اجتماعی رقت‌انگیز، از کار افتاده و یک مادر باید با حق طبیعی و انسانی خود، خداحافظی کند.

تصمیم گرفتم اکنون که اثر مهلک این خشونت ثابت شده، برخلاف دیگر نوشته‌هایم در روزنامه که به زنان دوردست‌های ایران می‌پرداخت، به تجربه خود اشاره کنم، چراکه هنوز بر اساس سنت‌ها و باورهای غالب جامعه، بیان مشکلات زنان، خشونت‌ها علیه زنان و حتی بیماری‌های زنان تابوی بزرگی به‌شمار می‌رود و حال انتظار داریم کودکانمان در جامعه ایمن باشند. گذشته از این تجربه که به‌عنوان یک روزنامه‌نگار برای گفت‌وگو با هم‌وطنان فرهیخته، رسانه و خانه صنفی خود را انتخاب کردم، زنانه پیشنهاد می‌کنم آثار مختلف انتشار خشونت جنسی یا حتی مفاهیم جنسی ریک در جامعه و اثر آن بر سیاست‌های جمعیتی بررسی شود. در بندی از سیاست‌های جمعیتی به تسهیل ازدواج و پایداری آن اشاره شده است؛ در بندهای دیگر هم به مهاجرت داخلی، جلوگیری از طلاق، زندگی سالمندان با فرزندانشان، تأمین اقتصادی زوج‌ها و باروری بالاتر از سطح جانشینی، اگر منتقد سیاست‌های فوق هستید نیز تفاوتی ندارد. کدام زوجی را می‌شناسید که دست‌کم یک‌نفرشان از ترس پناه‌بردن دیگری به صفحات مستهجن کابوس نداشته باشد؟ چه کابوس شکل‌نگرفتن ازدواج، چه کابوس متلاشی‌شدن خانواده، چه کابوس اعتیاد به مهملات و فرورفتن در مشکلات اقتصادی، چه مهاجرت به کشورهای دیگر و چه ترس از فرزندآوری؟

درعین‌حال پیشنهاد می‌شود متوالی جوان ارتباطات و فناوری اطلاعات بر پایش اخلاقی شبکه‌های مجازی همت ویژه گمارد. باشد که جمعیت آینده این دیار نه با قاتلان و سارقان مال و امنیت و آرامش هم‌وطنان، که با نوع والای انسان افزایش یابد.

پیشخوان



رویکرد سه کارگردان متفاوت سینمای آمریکا؛ یعنی ترنس مالیک، ریچارد لینکلتر و مایکل فاسبیندر در یک قاب از مطالب خواندنی آن است. بررسی سینمای سیاسی ایران نیز موضوعی است که با حضور کمال تبریزی، فریدون جیرانی، جواد طوسی، امید روحانی و فرهاد توحیدی بررسی شده است.

سینماوادیات

شصت‌وسومین شماره سینما و ادبیات به سردبیری نیلوفر نیاورانی با بررسی سینمای آمریکا منتشر شد. پرونده ویژه این شماره به سینمای آمریکا و مرور آثار کارگردان مطرح آمریکایی، ترنس مالیک، اختصاص دارد. نیم‌ویژه‌نامه ترنس مالیک با عنوان راوی سیال هستی، همچنین بررسی